

مقاله پژوهشی

سبک‌شناسی اشعار فارسی مرتضی‌قلی‌خان شاملو

عبدالرضا سیف^{۱*}، لیلا ممی‌پور کلخوران^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، پردیس البرز، کرج، ایران.

فروردین ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۱، صفحات ۱۶-۱

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۵۷۸

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: مرتضی‌قلی‌خان شاملو یکی از رجال حکومتی، ادبی و فرهنگی عصر صفوی است و از آنجاکه در زمره پیشگامان و سرآمدان خط شکسته است، بیشتر به جنبه خوشنویس بودن او توجه شده است و شرح احوال و آثار وی در کتابهای تاریخ ادبیات ذکر نشده است. مرتضی‌قلی‌خان دو دیوان شعر به زبانهای فارسی و ترکی دارد. خود وی تعداد ابیات دیوانش را قریب به بیست هزار بیت عنوان کرده است. در این پژوهش قصد داریم با بررسی سبک شعر او جایگاه ادبی وی را مشخص کنیم.

روش مطالعه: در مقاله حاضر بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی و تحلیل ویژگیهای سبکی اشعار فارسی مرتضی‌قلی‌خان شاملو پرداخته شده است.

یافته‌ها: اغلب مضامین رایج در سبک هندی در شعر مرتضی‌قلی‌خان وجود دارد. از آنجاکه او به کتابت دیوان شعرای پیشین و همعصر خود میپرداخته، تأثیر شعر شاعرانی چون خاقانی، نظامی، سعدی، مولوی، حافظ، بابافغانی، و ملاحسن فیض کاشانی در شعر او نمایان است.

نتیجه‌گیری: زبان اغلب اشعار مرتضی‌قلی‌خان شاملو، ساده و به دور از تکلفات شاعرانه است. او خود میگوید در غزل پیرو سبک صائب تبریزی است، اما در برخی موارد اشعار او گواه آن است که به شعر کسانی چون بیدل دهلوی و کلیم کاشانی نیز توجه خاصی داشته است. بالاین حال همه عناصر سبک هندی در شعر مرتضی‌قلی‌خان وجود دارد، اما آنچه شعر او را از شعر همعصران وی متمایز میکند، بهره‌گیری از اصطلاحات و تعبیرات مربوط به خوشنویسی و فن کتابت است که گاه با زبانی ساده و گاه پیچیده دستمایه خیال‌پردازیهای شاعرانه او شده است.

تاریخ دریافت: ۱۸ آذر ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۱۹ دی ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۲۸ دی ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۰ اسفند ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

مرتضی‌قلی‌خان شاملو، سبک هندی، شعر عصر صفوی، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

Seif@ut.ac.ir

☎ ۶۶۴۹۱۴۳۷ (۰۲۱-۰۹۸)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of Persian poems by Morteza Gholi Khan Khan Shamloo

A. Seif^{۱*}, L. Mamipour Kalkhoran^۲

^۱- Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

^۲- Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Alborz Campus, Karaj, Iran.

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Article History:

Received: ۰۹ December ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۹ January ۲۰۲۲

Revised: ۱۸ January ۲۰۲۲

Accepted: ۱۱ March ۲۰۲۲

KEYWORDS

Morteza Gholi Khan Khan Shamloo,
Indian style, Safavid poetry,
Stylistics

*Corresponding Author

✉ Seif@ut.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱) ۶۶۴۹۱۴۳۷

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Morteza Gholi Khan is one of the governmental, literary and cultural figures of the Safavid era, and since he is one of the pioneers and leaders of calligraphy, more attention has been paid to his calligraphy and his biography and works are not mentioned in the history books of literature. Morteza Gholi Khan has two poetry collections in Persian and Turkish. He himself has stated that the number of verses of his divan is about twenty thousand verses. In this research, we intend to determine his literary position by examining his poetry style.

METHODOLOGY: In the present article, based on library studies and descriptive-analytical method, the stylistic features of Morteza Gholi Khan Khan Shamloo Persian poems have been studied and analyzed.

FINDINGS: There are often common themes in the Indian style in the poetry of Morteza Gholi Khan. Since he has written the poems of his former and contemporary poets, the influence of the poetry of poets such as Khaghani, Nezami, Sa'adi, Rumi, Hafez, Babafaghani, Mullah Mohsen Feyz Kashani, etc. is evident in his poetry.

CONCLUSION: The language of most of Morteza Gholi Khan's poems is inclusive, simple and far from poetic. He himself says that in Ghazal he follows the style of Saeb Tabrizi, but in some cases his poems prove that he paid special attention to the poetry of people like Bidel Dehlavi and Kaleem Kashani. However, there are all elements of Indian style in Morteza Gholikhan's poetry, but what distinguishes his poetry from the poetry of his contemporaries is the use of terms and expressions related to calligraphy and calligraphy, which sometimes in simple and sometimes complex language are the basis of his poetic fantasies. Has been.

DOI: [1۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۰۷A](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.707A)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۸	 ۶	 ۰

مقدمه

مرتضی‌قلی‌خان شاملو نویسنده، خطاط، قورچی‌باشی، داروغه شهر قم و سرانجام متولی آستان شیخ صفی‌الدین اردبیلی، فرزند ارشد حسن‌خان شاملو از اعظم و امرای عصر صفوی است که به دو زبان فارسی و ترکی اشعار فراوانی دارد. متأسفانه تذکره‌نویسان و نویسندگان تاریخ ادبیات توجه چندانی به او نکرده‌اند و آنچه در منابع راجع به او آمده، مطالبی است که نصرآبادی در تذکره خود آورده است. نصرآبادی درباره وی مینویسد:

«مرتضی‌قلی‌خان ولد ارشد حسن‌خان شاملو، در اقسام کمالات و آدمیت عدیل ندارد. هرگز به طریق سایر اتراک قدم از طریق آداب و مردمی بیرون ننهاد، در سلسله خط شکسته‌اش دلها بسته و شاهد خیالاتش در خلوت خاطرها نشست. در اوایل جلوس به منصب قورچی‌گری شمشیر سرافراز گردیده، داروغگی قم که لازمه آن خدمت است با مشارالیه است. الحال کمال قرب و استقلال دارد و محبوب القلوب ترک و تاجیک و دور و نزدیک است» (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۸).

نصرآبادی در جایی دیگر درباره وی میگوید: «به روزگار شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) پس از قتل جانی‌خان به مرتبه قورچی‌باشی‌گری سرافراز شده ولایت کرمان به تیول او مقرر شد. سپس بسبب حرکت بیجایی که دشمنان در محاربه قزوین جنود هندی به او نسبت دادند برکنار شده، روزگاری منزوی بود تا شاه بر سر شفقت آمده، وی را متولی آرامگاه و وزیر اردبیل کرد و اکنون به همان سمت است» (همان: ۳۳-۳۴ به نقل از منزوی، ۱۳۷۲: چهارده). نصرآبادی تعداد ابیات دیوان وی را قریب چهارهزار بیت ذکر کرده است. (همانجا). اما خود شاملو در مقدمه گزیده‌ای از دیوان خویش، تعداد ابیاتش را قریب به بیست هزار بیت عنوان کرده است (شاملو، ۱۳۸۲: ۳۰).

صفا در *تاریخ ادبیات در ایران* به شرح احوال مرتضی‌قلی‌خان شاملو پرداخته است، اما ذیل احوال رمزی کاشانی برای توضیح این نکته که رمزی در دورانی که مرتضی‌قلی‌خان شاملو قورچی‌باشی دولت در عهد شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) بوده، در ملازمت وی بسر میبرده، در پاورقی بخشی از گفته‌های نصرآبادی را بیان کرده است (صفا، ۱۳۷۳: ۵/ ۱۰۳۰۷). نفیسی در کتاب *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی* از شخصی به نام مرتضی‌قلی‌بیگ مجرم شاملو نام میبرد که برخی از مطالب آن از جمله نام پدر و خوشنویس بودنش با مرتضی‌قلی‌خان شاملو مطابقت دارد اما برخی مطالب آن نیز با شرح حال وی از جمله تاریخ وفات (۱۰۲۰ق) منطبق نیست (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱/ ۶۵۸). به این نکته نیز باید اشاره کرد که مرتضی‌قلی‌خان و پدرش حسن‌خان هر دو ملقب به سلطان بوده‌اند. این امر در اشعار مرتضی‌قلی‌خان نمود یافته است.

بهر چه رعیت تعلق باشم / در عالم بی‌تکلفی سلطانم (شاملو، بی تا الف: ۶۹)

به شه جود و گدایی با گدا ماند / ز سلطانی همین نامی به ما ماند (شاملو، ۱۲۶۳ق: ۳۷)

پدر او حسن‌خان (متوفی ۱۰۵۰ق) نیز در شاعری و خوشنویسی از سرآمدان روزگار خویش بوده است. دهخدا در *لغت‌نامه* مرتضی‌قلی‌خان سلطان شاملو را فرزند ارشد حسین‌خان ذکر کرده است که احتمالاً غلط مطبعی باشد؛ چراکه حسین‌خان نام پدر بزرگ وی است. در اشعار مرتضی‌قلی‌خان چندین مرتبه نام حسن‌خان آمده است.

مرتضی مست می درویشست / به سر و روح حسن‌خان سوگند (شاملو، بی تا ب: ۴۰)

من از مرتضی هم جدا میشوم / به لوح مزار حسن‌خان قسم (همان: ۴۴)

نگارنده تا کنون توانسته است هفت نسخه خطی از دیوان مرتضی‌قلی‌خان را شناسایی و ابیات آن را احصا کند که مجمع ابیات آن حدود ۱۷۰۰ بیت شده است. او در اشعار فارسی گاهی «مرتضی» و گاهی «ظفر» تخلص کرده است که در برخی از نسخه‌های دیوان هر دو تخلص وجود دارد و شائبه اینکه ممکن است «ظفر» و «مرتضی» دو نفر باشند را منتفی میکند.

او در غزلی تأثیرپذیری طرز شعر خود را از صائب بیان کرده است:

به باغ فیض بود نویهار صائب و من / به طرز تازه اویم چمن چمن گستاخ (همان: ۳۶)

در دیوان او چندین غزل با وزن و قافیه‌های مورد استفاده صائب آمده است. شاید بتوان گفت بیشترین تأثیر را او از حافظ گرفته و در موارد مختلفی به نام حافظ یا اشعار وی اشاره کرده است. گاه تعریضهایی نیز به وی زده است. نکته حائز اهمیت این است که از آنجاکه مرتضی‌قلی‌خان شاملو خطاط و کاتب است و به نسخه‌برداری از دیوانهای مختلف شاعران پیشین و هم‌روزگار خود میپردازد، بسیاری از اشعار او تحت تأثیر آنهاست یا در جواب ایشان سروده شده است.

بر خلاف تذکره‌ها و کتابهای تاریخ ادبیات، کتابهایی که به موضوع خطاطی و خوشنویسی پرداخته‌اند مرتضی‌قلی‌خان شاملو و محمدشفیع هروی حسینی معروف به شفیع را از زمره پیشگامان خط شکسته در ایران دانسته و گاه به نقد و بررسی خط آنها پرداخته‌اند (گروه نویسندگان، ۱۳۸۳: ۸۲). بیانی نیز در کتاب خود آورده است که مرتضی‌قلی‌خان شاملو «شکسته تعلیق را خوش مینوشت» (بیانی، ۱۳۵۸: ۴/ ۲۶۸).

سابقه پژوهش

دیوان اشعار فارسی مرتضی‌قلی‌خان شاملو تا کنون بچاپ نرسیده و مقاله‌ای نیز درباره آن نوشته نشده است، اما در سال ۱۳۸۶ زینب باقری نجف‌آبادی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تصحیح دیوان مرتضی‌قلی‌خان شاملو با مقدمه و پاره‌ای توضیحات و فهرستها» به دفاع کرده است. این پایان‌نامه براساس سه نسخه دیوان مرتضی‌قلی شاملو موجود در کتابخانه موزه ملی ملک کار شده و شامل بخشی از اشعار مرتضی‌قلی‌خان است.

با پیدا شدن نسخه جنگ مرتضی‌قلی شاملو و چاپ عکسی (فاکسی میله) آن در انتشارات مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی با مقدمه‌های ایرج افشار و احمد منزوی، چند مقاله درباره آن جنگ بنگارش درآمده است که عبارتند از:

منزوی، احمد. (۱۳۷۲). جنگ مرتضی‌قلی‌خان شاملو (متعلق به کتابخانه مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی). کلک. بهمن و اسفند. ش ۴۷ و ۴۸.

تفرشی، ظهیرا. (۱۳۸۸). دیباجه بیاض، برگرفته از جنگ مرتضی‌قلی شاملو (کتابت ۱۰۶۹ق) به کوشش ایرج افشار. نامه بهارستان. سال دهم. ش ۱۵.

طالقانی، فاطمه. (۱۳۸۸). جستاری در نسخه‌شناسی مرتضی‌قلی شاملو. آینه میراث. بهار و تابستان. ش ۴۴.

اما نسخه منحصر بفردی از دیوان اشعار ترکی مرتضی‌قلی شاملو در سال ۱۹۶۵ میلادی به همت اسماعیل حکمت بصورت عکسی منتشر شده است که آن نسخه در سال ۱۳۸۷ با عنوان دیوان اشعار ترکی مرتضی‌قلی ظفر اردبیلی با مقدمه، تصحیح و تحشیه حسین محمدزاده صدیق در اردبیل بچاپ رسیده است. از دیگر آثار چاپ‌شده مرتضی‌قلی شاملو کتابی است با عنوان خرقة یخیه که تا کنون سه بار در تهران بصورت چاپ سنگی منتشر شده و نسخه‌های خطی بسیار زیادی از آن در کتابخانه‌های کشور موجود است.

جدول نسخه‌های خطی مورد استفاده در تصحیح دیوان مرتضی‌قلی شاملو

شماره نسخه	عنوان	محل نگهداری	تعداد صفحات	نوع خط	تعداد ابیات	تاریخ کتابت	نام کاتب	نوع کاغذ	افتادگی
۵۱۱۱	دیوان مرتضی‌قلی خان شاملو	کتابخانه موزه ملی ملک	۱۱۱ صفحه	شکسته نستعلیق	۶۴۵ بیت	ندارد	احتمالاً خود شاعر	ترمه سمرقندی نازک	ندارد
۴۶۰۵	دیوان مرتضی‌قلی خان ولد حسن‌خان شاملو	کتابخانه موزه ملی ملک	۴۶ صفحه	شکسته نستعلیق	۳۰۱ بیت	۱۲۶۳ق	مجدالدین محمدبن فضل‌الله ساوجی	ترمه	ندارد
۴۵۸۶/۱	دیوان مرتضی‌قلی خان شاملو	کتابخانه موزه ملی ملک	۳۱ صفحه	شکسته نستعلیق	۲۶۶ بیت	۱۳۱۰ق	پاک شده است	ترمه	ندارد
۶۰۱۸۲	جنگ شعر شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	۴۸ صفحه	شکسته نستعلیق	۳۰۱ بیت	ندارد	محمد شفیع حسینی (شفیعا)	ترمه	ندارد
۷۵۰۰ میکروفیلم ۱۳۷۴	مجموعه مرکزی دانشگاه تهران	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران	۳ صفحه (بخش اشعار مرتضی‌قلی شاملو)	شکسته نستعلیق	۱۶ بیت	ندارد	احتمالاً مرتضی‌قلی شاملو	--	دارد
۲۵۱۷ ف	مجموعه دیوان حسن و مرتضی	میکروفیلم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران	۳۸ صفحه (بخش اشعار مرتضی‌قلی شاملو)	شکسته نستعلیق	۴۰۹ بیت	ندارد	ندارد	—	دارد

۱۵۰۰	جنگ مرتضی‌قلی شاملو	کتابخانه مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی	۴۲ صفحه (بخش اشعار مرتضی‌قلی شاملو)	نستعلیق و شکسته نستعلیق	۶۹۵ بیت	۱۰۶۹ق محمد صفی کتابدار	--	ندارد
------	---------------------------	--	---	----------------------------------	------------	---------------------------------	----	-------

بحث و بررسی

سطح زبانی (Literally Level)

در اینجا سطح زبانی اشعار مرتضی‌قلی‌خان را از جنبه‌های لغوی و آوایی یا موسیقایی بررسی کرده‌ایم. همچنین اصطلاحات پرکاربرد سبک هندی را که در اشعار وی پربسامد بوده است، ذکر کرده‌ایم.

سادگی زبان: زبانی را که مرتضی‌قلی‌خان شاملو دستمایه تصویرپردازی و مضمون‌آفرینی شعر خود کرده، زبانی ساده و بی‌پیرایه است که گاه زبان عوام و مردم کوچه و بازار بر آن تأثیر گذاشته است. اشعار او اغلب پیراسته از تصنیفات و تکلفات و التزامهای شاعرانه برخی از همعصران و پیشینیان اوست. در شعر وی با زبانی ساده و روشن مواجهیم، اما گاه بتبع شاعران عصر صفوی، شعر او خالی از پیچیدگی و تصاویر تودرتو نیست. تناسبهای شعر او نیز بیشتر از سادگی و طبیعت زبان نشئت گرفته است.

بر باد داده است چو گردم هوای تو / کرده‌ست بینوای جهانم نوای تو

از خود بریدم و به تو پیوند رو نداد / نه آشنای خویشم و نه آشنای تو

نه تاب لطف دارم و نه طاقت ستم / میمیرم از وفای تو و از جفای تو

پهلوی تهی کند ز فلک از غرور ناز / یکدم گر آفتاب نشیند به جای تو (شاملو، بی‌تا ج: ۱۵ص)

ترکیب‌سازی: ترکیب‌سازی در اشعار مرتضی‌قلی‌خان از بسامد بسیار بالایی برخوردار است. حاصل این ترکیب‌سازیها بوجود آمدن تعداد بسیار زیادی کلمات مرکب، ترکیبات اضافی و ترکیبات وصفی است که مقدار معتنابهی از آنها متعلق به خود اوست و پیش از وی سابقه نداشته است. این ترکیب‌سازیها به چند صورت بوجود آمده است:

الف) افزودن دو کلمه به یکدیگر: جام وصال، خاک سینه، اخگر عریان، دود خط، تماشاگاه حیرت، برق فنا، طلسم زلف، شیون زنجیر، لذت خنجر، خاکستر آه.

ب) ترکیب دو کلمه با یکدیگر: شمع‌صفت، پریشان‌وطنی، غنچه‌دل، آرزوشکار، آتشین‌منقار، آسمان‌شتاب، پوشیده‌صفیر، نیم‌شکار، بنفشه‌دستگاه، وعده‌خلافی.

ج) ترکیب سه یا چند کلمه با یکدیگر: دود آه سینه، کشتی بحر خطر، جوهر شمشیر ناله، فروغ آفتاب صبح‌مشرّب، دلیل خضر عنایت، گهر تیغ ناز، کبوتر پرواز دل، دام ره نشاط، یوسف مصر قناعت، آب کوثر معنی، بوی گل آرزو، بی‌باکی حسن طفلان، سرمه چشم انتظار، دشت‌فرسایان راه دوستی، سرمه‌کش دیده ماه، برگ گل نظاره انشا، خمار ناله تزویر.

جدول ترکیب‌سازیهای اشعار مرتضی‌قلی‌خان شاملو

نوع ترکیبها	ترکیبات وصفی	ترکیبات اضافی	کلمات مرکب
درصد	۳۴درصد	۴۱درصد	۲۵درصد

وابسته‌های خاص عددی: از جمله خصایص قابل توجه اشعار مرتضی‌قلی شاملو خلق وابسته‌های خاص عددی است. مراد از

وابسته‌های خاص عددی، انحراف آشکار از هنجار طبیعی کلام است (نک: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ۶۴).

ز عنبرینه خلّش که مایه خط است / هزار نافه گره غنچه را بُود در پوست (شاملو، بی‌تا الف: ۶۷)

تا نماند جای ارباب هوس در بزم وصل / یک چمن بلبل شو و یک انجمن پروانه باش (شاملو، بی‌تا ب: ۱۲)

چون نگاری صورت شیرین به خارا کوه‌کن / تیشه را یک پیرهن نازکتر از اندیشه کن (شاملو، ۱۳۸۲: ۶۵)

اصطلاحات و کلمات پربسامد سبک هندی در شعر شاملو

اصطلاحات زیر از جمله اصطلاحات پربسامد سبک هندی است که مرتضی‌قلی‌خان همچون همعصران خود بارها از آنها برای خلق تصاویر تازه در شعر خود بهره برده است:

آبله: در اشعار سبک هندی کمتر شاعری وجود دارد که با آبله تصاویر جدیدی را خلق نکرده باشد. مرتضی‌قلی‌خان نیز از این قاعده مستثنا نیست و این کلمه از واژگان پربسامد شعر وی بشمار میرود. در اینجا به چند مورد اشاره میشود:

در بحر روزگار زدم غوطه مرتضی / گوهر مگر ز آبله پیدا کند کسی (شاملو، بی تا الف: ۶۳)

بس که در این راه پای سعی فشردم / ریگ روان همعنان آبله‌ها شد (همان: ۴۰)

نشسته نقش خموشی میان ما و نیاز / سپند آبله دل به گفتگو بفروش (همان: ۴۷)

آیینه / آینه: این کلمه بیش از صد بار در اشعار مرتضی‌قلی شاملو آمده است.

نگاه بوالهوسان تا کی از تو رو بیند / به دست ناز ده آیینۀ تغافل را (همان: ۲۳)

رحمی بکن نقاب ز رخسار برمدار / کز شعلۀ نگاه تو آیینۀ آب شد (همان: ۳۹)

هرگز کسی به غیر دلم در بساط عشق / آیینۀ را ندیده که از آه بشکفتد (شاملو، بی تا ج: ۲۰)

تیغ تو خم گشته که سیمای خون / بر تن آیینۀ گرانی کند (شاملو، بی تا ب: ۳۹)

عکست آیینۀ را قلندر کرد / خاک در کاسۀ سکندر کرد (همان: ۳۸)

بسمل / نیم‌بسمل: از جمله تصاویر پرکاربرد شعر سبک هندی بسمل یا نیم‌بسمل شدن است که در شعر شاملو نیز نمود خاصی دارد:

غمت شهید ندارد به جوهر دل ما / زند به تیغ فنا غوطه خون بسمل ما (شاملو، بی تا الف: ۲۵)

من مرغ نیم‌بسمل تیغ تغافلیم / افتاده‌ام به دام تو پرواز میکنم (شاملو، ۱۲۶۳ق: ۴۶)

پنبه داغ: این اصطلاح، از اصطلاحات طب سنتی است که در دیوان مرتضی‌قلی‌خان بسامد بالایی دارد.

پنبه داغ جنونم از گلستان خوشتر است / دیده پر خون مرا از جام مستان خوشتر است (شاملو، ۱۳۸۲: ۴۱)

چو لاله داغ بر دل نه اگر با عشق سر داری / بیا بویی شنو هر پنبه‌ای کافتد ز داغ من (همان: ۱۱۵)

به زخم داغ دلم تا طلیب پنبه نهاد / چو برق آتشم از سینه جست و مرهم سوخت (همان: ۳۷)

رفت از سرم ز سوز محبت هوای باغ / گل‌های باغ ماست کنون پنبه‌های داغ (همان: ۵۹)

تا کرد غم عشق تو روغن به چراغم / صاف است چو آیینۀ دل پنبه داغم (همان: ۶۴)

تبخاله

لب فتراک ز تبخاله خونم بشکفت / سجده‌ای چند به خاک ره میدان بستم (شاملو، بی تا الف: ۴۹)

به اظهار وفا گر لب گشایم / شود تبخاله لب حرف پنهان (همان: ۵۶)

داغ: از کلمات پربسامد اشعار مرتضی‌قلی‌خان شاملو است که اغلب بصورت ترکیبهای اضافی یا وصفی بکار رفته است. نظیر داغ لاله، داغ جگر، داغ سینه، داغ حرمان، داغ دل، داغ جبین، داغ حسرت، داغ مهجوری، داغ جنون، داغ غم، داغ هجران، داغ عشق، داغ پنهان. در مواردی نیز که بصورت اضافی بکار نرفته، اغلب با کلماتی چون پنبه همراه شده است. ما در اینجا به ذکر یک نمونه اکتفا میکنیم:

چو لاله داغ بر دل نه اگر با عشق سرداری / بیا بویی شنو هر پنبه‌ای کافتد ز داغ من (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۱۵)

زخم: از کلمات پرتکرار شعر مرتضی‌قلی‌خان است که معمولاً با کلمات الماس، رفو، بخیه، خنجر، خنده، مرهم، تیغ، پنبه، شیشه، و درمان همراه شده است. در اینجا به بیان چند شاهد بسنده میکنیم:

مرهم الماس را خون در جگر / میکند زخم دل مغرور ما (شاملو، بی تا الف: ۸۵)

من کشته نگاه بتان ستمگرم / زخم مرا به سوزن مژگان رفو کنند (همان: ۳۶)

مباد بخیه زخم به روی کار افتد / بیا به چاک دلم یک زمان گریبان باش (شاملو، بی تا ج: ۲۴)

در شهادتگاه غم هرگاه میغلتم به خون / زخم میخندد به رویم گر تبسم میکنم (شاملو، بی تا ب: ۴۳)

سراب: سراب از مضامین پرتکرار سبک هندی است که نمونه‌های متعددی از آن در شعر شاملو وجود دارد:

در بحر غوطه خورده چو ماهی ز حرص زر / از دشت حشر موج سرابی ندید کس (شاملو، ۱۳۸۲: ۵۵)

افلاک را بر هم زن و عالم خراب کن / آتش به جان گذار و جهان را سراب کن (شاملو، بی تا الف: ۵۹)

غوطه زن در بحر تا گوهر شوی / چند گردی تشنه بر گردِ سراب (شاملو، ۱۳۸۲: ۳۵)

سنگ طفلان: این مضمون در شعر سبک هندی بویژه شعر صائب پربسامد است که در اشعار مرتضی‌قلی‌خان نیز بارها به آن اشاره شده است.

میتوان مُرد از برای سنگ طفلان مرتضی / لذت اندر هوشمندی کم بود دیوانه را (شاملو، بی تا الف: ۸۶)
نقش پا / نقش قدم: از جمله مضمون‌های پرسامد سبک هندی است که در دیوان مرتضی‌قلی‌خان نیز بارها آمده و دستمایه مفاهیم و تصاویر مختلف شده است:

به راه عشق مبین مرتضی تمنا را / چو نقش پا مده از کف پی توکل را (همان: ۲۷)
 قصر را هم نقش پای همت است / میروم این راه را همچون غبار (شاملو، بی تا ب: ۴۱)
 افتادگیش راه به جایی بُرد آخر / گر نقش قدم خاک‌نشین شد، شده باشد (همان: ۳۷)
 ز نقش هر قدمش نافه میتوان چیدن / سگ در تو به از آهوی ختن باشد (شاملو، ۱۳۸۲: ۴۸)

کاربرد کلمات جدید

فانوس: این واژه از جمله کلماتی است که در این عصر در دیوان شاعران رخنه کرده است.
 فانوس سینه شمع قند را به بر گرفت / ترسم ز سوز دل به گداز آورم تو را (همان: ۳۲)
 خیال شعله حُسنش چنان بر جان من پیچد / که دود شمع دل در جامه فانوس تن پیچد (همان: ۴۳)
 شمع چمن ز پرده فانوس گل نمود / پروانه‌های برق ز هم بال و پر گشود (همان: ۴۹)
چهارشنبه سوری: شاید بتوان گفت کهنترین نمونه شعری که در آن به چهارشنبه سوری اشاره شده است بیت زیر باشد.
 در این بیت بر یکی از آداب این شب، یعنی همنشینی و مجالست دوستان تأکید شده است.
 صحبت دوستان همیشه خوش است / خاصه در چهارشنبه سوری (شاملو، بی تا الف: ۸۸)
اصطلاحات کتابت و خوشنویسی: از جمله ویژگیهای خاص دیوان مرتضی‌قلی‌خان شاملو بسامد بالای اصطلاحات خوشنویسی است که با وجود خطاط و خوشنویس بودن او، نباید امر عجیبی باشد، اما وی در بسیاری از موارد از اصطلاحات کتابت و خوشنویسی برای بیان مضامین و موتیفهایی همچون نظربازی و شاهدبازی بهره گرفته است که گاه از این اصطلاحات بطریق استعاره، ایهام، ایهام تناسب، مراعات نظیر یا تداعی معانی و مانند آنها استفاده کرده است و گاه این اصطلاحات معنای اصطلاحی خود را از دست داده‌اند.

خط: کلمه خط از پرسامدترین کلمات دیوان مرتضی‌قلی‌خان است که ده‌ها بار تکرار شده است.
 خطش دمید و رخس صاحب غبار دگر شد / بهار بود رخس خط او بهار دگر شد (همان: ۴۴)
 مرغ نظاره که حیران خط و خال تو بود / خامه‌سان خون سیه میچکد از منقارش (شاملو، بی تا ج: ۲۳)
 چون سبزه خط تو را بر برگ گل یاد آورم / آینه را طوطی کنم گل را به فریاد آورم (همان: ۱۵)
 خط بی‌نقطه ندارد زیب بر روی بیاض / خال هندو را به دور خط نهاده چون نقط (شاملو، ۱۳۸۲: ۵۷)
خط غبار / غبار: این اصطلاح علاوه بر معنای اصطلاحی خود که نوعی خط است که با قلم بسیار ریز و ظریف و بصورت نازک و کوچک نوشته میشود، در اشعار مرتضی‌قلی‌خان به معنای موی تازه‌رویده در صورت بویژه کنار گوش یا پشت لب نیز بکار میرود. گاه نیز به اصطلاحی پزشکی اشاره یا تبادر دارد که «نوعی بیماری در چشم است که بصورت سفیدی ظاهر میشود» (انوری، ۱۳۸۱: ۶/۵۱۵۰).

یا رب نگرده آینه‌ات داغدار خط / بر خاطر رخت ننشیند غبار خط (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۴)
 خطش دمید و رخس صاحب غبار دگر شد / بهار بود رخس خط او بهار دگر شد (شاملو، بی تا الف: ۴۴)
 ز پا افتاده‌ام گلگون‌سواری در نظر دارم / به روی برگ گل خط غباری در نظر دارم (شاملو، ۱۲۶۳: ۱۷)
 با عاشقان صاف‌دل انصاف پیشه کن / کز گرد راه میرسد اینک غبار خط (شاملو، بی تا ج: ۱۴)
 پرنور بود چشم من از دیدن رخس / نزدیک شد که تیره شود از غبار خط (شاملو، ۱۳۸۲: ۵۸)
 چشم بپوشید که هفت آسمان / در ره تجرید غبار من است (شاملو، بی تا الف: ۳۳)

بیاض

خط بی‌نقطه ندارد زیب بر روی بیاض / خال هندو را به دور خط نهاده چون نقط (شاملو، ۱۳۸۲: ۵۷)
 آینه رخ تو شود چشم سرمه‌دار / چون بر بیاض عارضت افتد گذار خط (شاملو، ۱۲۶۳: ۲۸)

سواد

میشود از سواد خامه تو / دیده آرزوی دل روشن (شاملو، بی تا الف: ۷۴)
 سواد روشن ما را کسی نمیداند / نخوانده‌اند مگر نسخه تحمل را (همان: ۲۷)

نسخهٔ زلف تو را باد صبا برهم نزد / چون سواد آفرینش را پریشان یافتم (شاملو، ۱۳۱۰ق: ۲۹)

خامه

اگر چو خامهٔ مو سر به سر زبان شده باشم / به رنگ صورت آینه بی‌زبان شده باشم (شاملو، بی‌تا الف: ۵۰)
گر عرق بر چهره‌اش بینی ز تأثیر حیا / خامهٔ نقاش قدرت این رقم تصویر کرد (شاملو، بی‌تا ب: ۳۹)
مرغ نظاره که حیران خط و خال تو بود / خامه‌سان خون سیه میچکد از منقارش (شاملو، بی‌تا ج: ۲۳)

موسیقی بیرونی: وزن

استفاده از اوزان شعری در قالبهای موجود دیوان مرتضی‌قلی‌خان به قرار زیر است:
دیوان مرتضی‌قلی‌خان در مجموع ۳ قصیده دارد که یک قصیده در بحر مجتث، یک قصیده رمل و یک قصیده هزج است.
دیوان او ۸ قطعه دارد که ۵ قطعه رمل، ۲ قطعه مجتث و یک قطعه خفیف است. از مجموع چهار مثنوی نیز ۳ مثنوی در بحر هزج و یک مثنوی رمل است. میزان استفاده از بحرهای مختلف در غزلیات نیز در جدول زیر آمده است:

نام بحر	هزج	رمل	مضارع	مجتث	رجز	منسرح	سریع	خفیف
تعداد غزل	۸۶	۶۹	۲۳	۱۹	۹	۸	۴	۳
درصد	۳۸/۹۱	۳۱/۲۲	۱۰/۴	۸/۵۹	۴/۰۷	۳/۶۱	۱/۸	۱/۳۵

موسیقی کناری: از مجموع ۲۲۱ غزل موجود در دیوان مرتضی‌قلی‌خان تنها ۲۲ غزل نامردف است. برخی از غزل‌ها دارای ردیفهای طولانیند؛ برای نمونه:

شنیدم در دل آزاری که من دارم تو هم داری / جفاجوی ستمکاری که من دارم تو هم داری (شاملو، ۱۳۱۰ق: ۸۷)
جانانه شکار میتوان کرد / ترکانه شکار میتوان کرد (همان: ۴۰)
زلف مشکین پناه کرد و گذشت / روزگارم سیاه کرد و گذشت (شاملو، ۱۳۸۲: ۴۱)

جدول چگونگی ردیفها

نوع ردیف	ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف ضمیری	ردیف حرفی	ردیف ترکیبی	ردیف‌بلند
تعداد	۱۰۳	۳۷	۱۷	۱۱	۳۱	۷

تکرار قافیه

یکی از خصایص شعر سبک هندی تکرار قافیه است؛ بطوریکه «شاعران سبک هندی تکرار قافیه را به فاصلهٔ یک یا دو بیت (و گاه بی‌هیچ فاصله‌ای) عیب نمیشمرده‌اند، بلکه آن را نوعی هنرنمایی نیز بحساب می‌آورده‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ۷۱). غزل‌های مرتضی‌قلی شامل نیز از این قاعده مستثنا نیست و از مجموع ۲۲۱ غزل، در ۴۵ غزل قافیه تکرار شده است. در ۵ غزل نیز دو قافیه هر کدام دو بار تکرار شده، اما این تکرارها بجز یک مورد که قافیهٔ «بار» سه مرتبه تکرار شده، در سایر موارد بیش از دو مرتبه نبوده است.

گرفتار خوی بد روزگار است
گل بی‌خزان و می بی‌خمار است
بهار جنونم جنون بهار است
که شهباز مژگان او در شکار است
گریبان او آستین بهار است
چه سازد کسی مرتضی، روزگار است
(شاملو، بی‌تا الف: ۲۴)

کیفیتی ز شربت آبی ندید کس
مستی حق ز هیچ شرابی ندید کس
دل بی‌هوای دیده بر آبی ندید کس
گویا که مرگ خویش به خوابی ندید کس

دل من که نازکتر از خوی یار است
اسیرم اسیرم رخ و زلف او را
گل از من پریشان شد و بید مجنون
دل شیر پیدا کن ای کبک مسکین
چه گلها توان چید از باغ حسنش
نه پروانه دارد دماغی نه بلبل

بی عشق نشئه‌ای ز شرابی ندید کس
جام هوس ز بیخردی میدهد نشان
تا چند حاصل عمل خود دهی به باد
در غفلتند مردم عالم ز شور دهر

در بحر غوطه خورده چو ماهی ز حرص زر / از دشت حشر موج سرابی ندید کس
تا از شراب وحدت او بیخبر شدم / چون من اسیر مست خرابی ندید کس
(همان: ۶۱)

قافیه‌های تکراری شعر مرتضی‌قلی‌خان عبارتند از: حاصل، پا، سخن، دل (دو غزل)، مضطرب، روزگار، بهار، پروانه (دو غزل)، دیر، تنگ، جنگ، دلیل، در، شراری‌ست، پایه، جان، گمان، دگر، کار، درد (دو غزل)، یار، دیگر، دلخواه، ما (دو غزل)، جایی، باز، کشیده‌ام، شرابی، آبی، دیوانه، بیتابش، رخت، کویش، غبار، سر، نظر، یاد، بسیار، دماغم، چاره، مردم، گریبان، بار، نهال، کمال، فرد.

سطح ادبی (Literary Level)

در بررسی سطح ادبی توجه به مسائل و مختصه‌های تکرارشونده علم بیان و بدیع، که به متن ادبیّت (Literariness) بخشیده، ضروری است؛ بنابراین در اینجا به ذکر پربسامدترین مختصه‌های شعر مرتضی‌قلی شاملو می‌پردازیم. **استعاره فعلی (تبعیه):** شاعران سبک هندی تمام تلاش خود را برای غافلگیری و ایجاد حیرت و شگفتی در خواننده بکار بسته‌اند و برای نیل به این مقصود از شگردهای مختلفی بهره برده‌اند. یکی از این ترفندها استفاده از استعاره فعلی یا تبعیه است. فرق استعاره فعلی با استعاره اسمی در آن است که در استعاره فعلی م‌توان فاعل را حقیقی پنداشت و فعل را به علاقه مشابهت یا علاقه سبب و مسبب تعبیر و تفسیر کرد (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۹۲). این استعاره «نوعی آشنایی‌زدایی است که جریان مألوف کلام را برهم میریزد و پیوند تازه میان کلمات در زنجیره گفتار برقرار میکند» (حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۸۴: ۷۹). کاربرد فعل در این استعاره «بگونه‌ای است که از دلالت معنایی قاموسی خود خارج شده، مفهوم نامتعارف و مجازی مییابد. همین قرابت و تازگی است که سبب توجه و احیاناً تأثیر و لذت میشود» (همان: ۱۴۹). در اشعار مرتضی‌قلی‌خان شاملو موارد متعددی از استعاره فعلی وجود دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود:

هوس جوشیدن:

هوس تفرقه در مغز دلم میجوشید / خاطر جمع به آن زلف پریشان بستم (شاملو، بی تا الف: ۷۰)

خواب سوختن:

امشب ز تاب هجر تو در دیده خواب سوخت / طوفان اشک کشتی دل را در آب سوخت (شاملو، ۱۳۸۲: ۳۵)

ناله شکستن:

درد نهفتم به جان گشت غم را دوا / ناله شکستم به دل یافتم از وی اثر (همان: ۵۲)

ذوق جوشیدن:

ذوق میجوشد به جای برگ از شاخ طرب / عیش این حسرت‌کشان را نشئه آزار ده (شاملو، بی تا الف: ۶۰)

لب شکستن:

لب خمیازه دیگر نشکند از شبنم حسرت / در این گلشن که بر سر میزنم گلهای مستی را (همان: ۲۳)

گریه رنگ بستن:

باده ساغر لب شبنم گلشن رخت / گریه رنگ بست می خنده مه‌نمای گل (همان: ۱۰۲)

استعاره‌های اسمی: یکی از شاخصه‌های پربسامد در شعر عصر صفوی استعاره‌های تودرتوی انتزاعی است. مرتضی‌قلی‌خان شاملو نیز بتبع هم‌روزگاران خود برای خلق تصاویر و مضمون‌آفرینیهای شاعرانه از آن بسیار بهره برده است. برای نمونه و پرهیز از اطالة کلام تنها به چند مورد اشاره میشود.

جگر آفتاب، جگر لعل بدخشان، لب فتراک، سینۀ آرزو، دیده آرزوی دل، چشم چراغ، رخ صبح دل، جبهه امید، دامن ساغر، دامن محبت، دامن مدح، دامن اقبال، دامن آه، دامن توفیق، دامن همت دامن طاقت، پای امید، خون امید.

جدول بسامد استعاره‌های بکاررفته در اشعار مرتضی‌قلی شاملو

استعاره مصرحه	استعاره مکنیه	استعاره تبعیه
۱۳۱ از ۱۸۷	۴۵ از ۱۸۷	۱۱ از ۱۸۷
۷۰/۰۵ درصد	۲۴/۰۶ درصد	۵/۸۸ درصد

تشخیص (Personification): تشخیص در شعر همهٔ شاعران وجود دارد، اما در سبک هندی از بسامد بسیار بیشتری برخوردار است؛ بطوریکه آن را از ویژگی‌های عمومی اشعار این دوره دانسته‌اند (حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۸۴: ۸۰). یکی از پربسامدترین خصیصه‌های شعر مرتضی‌قلی‌خان شاملو بهره‌گیری از تشخیص برای تصویرآفرینی‌های شاعرانه است. تشخیص‌های شعر او گاه تجریدگونه و پیچیده است، گاه ساده. گاه صفات انسانی به عناصر مادی و طبیعی اسناد داده می‌شود و گاه به عناصر ذهنی. این امر موجب شده است نوعی پویایی و تحرک در تصاویر شعر او بوجود آید.

دید چون بیخود شدم هنگام عرض حال خویش / بر رخ بیهوشی دل زد کف لطفش گلاب (شاملو، ۱۳۸۲: ۳۲).

در این بیت دل شاعر به شخص بیهوشی تشبیه شده است که لطف معشوق برای به هوش آوردن او مثنی گلاب بر صورت وی می‌پاشد.

گر نیست طوق پیرهن طاق قبله، چون / جیب مرا سجود کند ماهتاب صبح؟
ماهتاب صبح چون بنده‌ای است که جیب شاعر بهره‌مند از هم‌آغوشی معشوق را سجده میکند.
شعرت گرفت روی زمین مرتضی بیا / چون آفتاب پای بنه در رکاب صبح (همان: ۹۳)
آفتاب به سوارکاری مانده شده است که پای در رکابِ اسب صبح دارد.
کجاست می که ز فکر جهان کناره کنم / به مرگ توبه‌گریبان هوش پاره کنم (شاملو، ۱۳۶۳: ۴۱)
شاعر در این بیت بدنبال شراب می‌گردد تا با یاری آن نیرو بگیرد و توبه را که به شخصی مانده شده است بکشد و از این طریق گریبان هوش را، که او نیز شخصی است که لباس به تن دارد، پاره کند.
تا به کی طول امل اندیشه باطل کند / مرتضی را فرصت توفیق استغفار ده (شاملو، بی تا ب: ۴۱)
در این بیت طول امل همچون انسانی است که اندیشه‌های باطل در سر دارد.
آسودگیم تنگ در آغوش گرفته‌ست / تا لاله پیکان تو مرهم به جگر بست (شاملو، ۱۳۸۲: ۳۸)
در این بیت لاله پیکان معشوق همچون طبیبی است که بر جگر شاعر مرهم بسته است و از آن زمان به بعد، آسودگی همچون دوستی، شاعر را تنگ در آغوش گرفته است.

ایهام تناسب: عمدهٔ ایهام‌های شعر مرتضی‌قلی زمانی بروز میکند که از اصطلاحات خطاطی و خوشنویسی و کتابت استفاده می‌کند.

چنین شوری که من دارم به یک مشق جنون کردن / ز سودای خطش کی میتوانم سر برون کردن (شاملو، بی تا الف: ۸۲)
نسخهٔ زلف تو را باد صبا برهم نزد / چون سواد آفرینش را پریشان یافتم (همان: ۷۱)
خال تو سواد مهر و ماه است / هر ناله که خانه‌زاد آه است (همان: ۳۰)
اسلوب معادله: اسلوب معادله از جمله شاخصه‌های اصلی سبک هندی بشمار می‌رود و در دیوان اکثر شاعران این دوره بوفور یافت می‌شود؛ دیوان مرتضی‌قلی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

توانی سوخت دشمن را چو برق از گرمی الفت / به اظهار عداوت دشمن از دشمن نمیترسد (شاملو، ۱۳۸۲: ۴۳)
از نگه پردهٔ آرم به یک‌سو مفکن / در رخ مرد نکوروی حیا شمشیر است (همان: ۱۴۴)
قامتی کز ضعف خم شد ناله را بخشد اثر / هر کمانی کی به منزل میرساند تیر را؟ (همان: ۳۲)

تشبیهات فشرده (اضافهٔ تشبیهی): اگرچه مرتضی‌قلی شاملو در اشعار خود از انواع تشبیه بهره برده است، اما تشبیهات فشرده (اضافهٔ تشبیهی) شعر او وجه غالب را دارد و از بسامد نسبتاً بالایی برخوردار است. در اینجا تعدادی از اضافه‌های تشبیهی شعر شاملو ذکر می‌شود: جویبار ایمان، دیار قناعت، بیابان سینه، سهیل اشک، مکتوب غم، کعبهٔ توفیق، تیغ فنا، آیینۀ نگاه، نسخهٔ زلف، چراغ ناله، پیرهن آه، چمن تصویر، کشتی حوصله، خونا ب حسرت، چتر همت، صدف دیده، فانوس سینه.

جدول بسامد تشبیه‌های موجود در اشعار مرتضی‌قلی شاملو به اعتبار حسی و عقلی بودن

محسوس به محسوس	محسوس به معقول	معقول به معقول	معقول به محسوس
۶۳۷۹ از ۶۹۳	۱۷۶ از ۶۹۳	۴۲ از ۶۹۳	۹۶ از ۶۹۳
۵۴/۶۸ درصد	۲۵/۳۹ درصد	۶/۰۶ درصد	۱۳/۸۵ درصد

سطح فکری (Philosophical Level)

اشعار مرتضی‌قلی‌خان شاملو از لحاظ ویژگیهای فکری گنجینه‌ای است ارزشمند که روح جامعه آن روزگار را بخوبی منعکس میکند. در اینجا پربسامدترین مضامین شعری او را ذکر میکنیم.

مضامین مذهبی: از آنجاکه مرتضی‌قلی شاملو شیعی‌مذهب است، اعتقادات و عرض اراده‌های او به خاندان عصمت و طهارت (ع) در شعر او نمایان است. وی بیش از همه ارادت و اخلاص خود را به امام علی (ع) نشان داده است. او در قصیده‌ای بلند با مطلع:

شهی که خطبه نامش اگر بلند شود / فتد به جان ملایک فغان واشوقاه (شاملو، بی تا الف: ۳)

با خلق تصاویر بدیع به بیان مقام والای آن حضرت و مراتب عشق و محبت خود به ساحت قدسی آن جناب پرداخته است. او همچنین در لابلای اشعار خود عشق و محبت خود را به آن حضرت ابراز کرده است:

مرا که مهر علی نقش خاتم جان است / خطایم از در او مرتضی‌قلی‌خان است (شاملو، ۱۳۸۲: ۳۵)

خوشا کسی که به ذکر علی بُرد خوابش / ز تاب شوق کند مرغ روح بیتابش

کمینه‌بنده آنم که گفت با اَمّت / منم مدینه علم و علی بُود بابش (همان: ۵۶)

مرغ دلم همی پرد از سر شوق تا نجف / کی شود این هوا مرا، یار کشد به این طرف (همان: ۶۰)

راه نجات پیروی حیدر است و آل / وارستگی طلب کنی از مرتضی طلب (همان: ۳۲)

از جمله مضامین مذهبی شعر شاملو اشاره به کربلا و وقایع عاشورا است:

از چشمه‌سار آبله کوثر فشان شدم / در کربلای خون شهیدان روان شدم (شاملو، بی تا الف: ۵۵)

شریت وصل است با حسرت نصیبان را علاج / هر قدم این دشت پر خون کربلایی دیگرست (شاملو، بی تا ج: ۱۲)

مرتضی‌قلی‌خان در اشعار خود آرزومند زیارت امام رضا (ع) است:

از فیض قبله هفتم ز شش جهت / گلگشت هشت روضه رضوانم آرزوست (شاملو، ۱۳۸۲: ۳۶)

مراد از قبله هفتم امام رضا (ع) است؛ چراکه حضرت علی بن موسی الرضا (ع) را بدین لحاظ قبله هفتم میگویند که مردم در روی زمین به هفت موضع توجه دارند یا هفت موضع از زمین قبله‌گاه مسلمین است: مکه معظمه، مدینه طیبه، نجف اشرف، کربلای معلی، مقابر قریش یعنی قبور کاظمین علیهما السلام، سامرا و شهر مقدس مشهد علی بن موسی الرضا (ع). بدین جهت است که آن بزرگوار را قبله هفتم میگویند.

در میان مضامین مذهبی شعر مرتضی‌قلی شاملو ابراز عشق و ارادت به امام عصر (عج) نیز جایگاه ویژه‌ای دارد:

آرزوی مهدی آخر زمان دارد دلم / همچو بلبل ناله بهر گلستان دارد دلم

تا کنم جان را نثار مقدم آن شاه دین / روح در پرواز سیر لامکان دارد دلم (همان: ۶۲)

فلک به دیده کشد خاک هستیم به تبرک / اگر غبار ره صاحب‌الزمان شده باشم (شاملو، بی تا الف: ۵۰)

شهادت: این مضمون بارها در دیوان مرتضی‌قلی‌خان دستمایه تصویرپردازی‌های شاعرانه شده است:

یابم ظفر ز همت او بر جهاد نفس / یعنی شهید عشقم و میدانم آرزوست (شاملو، ۱۳۸۲: ۳۶)

گفت ز دست چون برم خون شهید عشق را / رنگ ز روی برگ گل برد صبا که همچنین (شاملو، ۱۳۶۳: ۳۲)

مضامین عرفانی: آن دسته از اشعار مرتضی‌قلی‌خان شاملو که رنگ‌وبوی عرفانی دارد، یا اصطلاحات عرفانی در آن بکار رفته است، بی‌تردید تقلیدی صرف از شاعران صوفی و عارف است؛ چراکه وی نه صوفی است و نه تحت تعلیم و تربیت صوفیه قرار گرفته است. او نیز همچون اغلب همعصران خویش یا تحت تأثیر پیشینیان بوده، یا بر سبیل عشق و علاقه به اسلوب تصوف از لغات، اصطلاحات و مضامین عرفانی بهره برده است. لازم به ذکر است که متولی آستان شیخ صفی‌الدین اردبیلی بودن او نیز میتواند در این مسئله تأثیر داشته باشد. در اینجا برای پرهیز از اطالة کلام تنها به ذکر چند نمونه پربسامد اصطلاحات عرفانی اکتفا میکنیم:

باده وحدت

ز حسن یار من رنگین شده گل‌های باغ من / لبالب گشته است از باده وحدت ایاغ من (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۱۴)

بقا

رو کن به درگهی که بُود خالی از زوال / بگذر ز هستی خود و آنکه بقا طلب (همان: ۳۲)

تجرد و تجرید

فکر جمعیت پریشان میکند آزاده را / از تجرد نخل بی‌سامانیم را بار ده (شاملو، بی تا الف: ۶۰)

تا نهادیم قدم در ره تجرید و فنا / خضر بر دوش کشد توشه همراهی ما (شاملو، ۱۳۸۲: ۳۱)
توکل

گر جهانی را بگیرد سربسر طوفان نوح / از توکل برنمیخیزم ز جای خویشتن (همان: ۶۵)
از توکل باغ امیدم چو گل خواهد شکفت / بلبلم از بهر سیر مرغزاری مانده‌ام (همان: ۶۴)
خانقاه و خرابات

عنقاصفت به قاف کشیدیم رخت خویش / بر صدر خانقاه نهادیم تخت خویش (همان: ۵۵)
خوشم به جرم، که از گوشه خراباتم/ نشان کعبه توفیق داده آه مرا (شاملو، ۱۳۶۳: ۲۰)
خرقه

من که در راه تو ترک اهل دنیا میدهم / ناکسم گر خرقه پشمین به دنیا میدهم (شاملو، ۱۳۸۲: ۶۲)
ساغر وحدت/ شراب وحدت/ می وحدت

بیا زاهد تو هم از ساغر وحدت لبی تر کن/ اگر هستی به خود یابی ملامت کن دل ما را (همان: ۱۱۵)
تا از شراب وحدت او بیخبر شدم / چون من اسیر مست خرابی ندید کس (همان: ۵۵)
ساقیا صبح میدمد برخیز / می وحدت به جام عشرت ریز (همان: ۵۴)
ملامت

هرجا که میرویم توکل رفیق ماست / ای همسفر بیا ز ملامت حذر مکن (شاملو، بی تا ب: ۴۴)
مضامین عاشقانه: عشق و عاشقی در اشعار مرتضی‌قلی‌خان گاهی عشق نوظطن و زیبارویان است:
تا نقش بست بر گل رویش نگاه خط / گلشن شکفته شد ز نسیم بهار خط
پرنور بود چشم من از دیدن رخس / نزدیک شد که تیره شود از غبار خط (شاملو، ۱۳۸۲: ۵۸)
مستی عشق من از شوق لب میگون است / که از رشکش جگر لعل بدخشان خون است (همان: ۳۶)
عقل عاجز از درک عشق است:

دلم آشفته و مجنون باشد / عقل ازین سلسله بیرون باشد (شاملو، بی تا ب، ۴۲)
قامت زیبارویان عقل و دین را بتاراج میبرد:

آن که تاراج عقل و دین باشد / قامت جلوه‌آفرین باشد (شاملو، بی تا الف: ۴۳)
عشق جایی برای محبت دیگران نگذاشته است:

در سر هوای عشق تو تا جا گرفته است / مهر و محبت از همه عالم بریده‌ایم (شاملو، ۱۳۸۲: ۶۲)
رفت از سرم ز سوز محبت هوای باغ / گل‌های باغ ماست کنون پنبه‌های داغ (همان: ۵۹)
او عشق را با جان خریده است:

جان داده‌ایم و درد محبت خریده‌ایم / از خود گذشته‌ایم و به مطلب رسیده‌ایم (همان: ۶۴)
عشق دلیل و راهبر است:

کمندی شد به پایم راه کوی دوست پنداری/ کشاکش‌های عشق آخر به منزل میبرد ما را (شاملو، ۱۳۶۳: ۱۱)
عشق او ازلیست:

من از روز ازل مست می میخانه عشقم / کشم بر سوز جان و دل لبالب جام صهبا را (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۱۵)
عشق بی‌نیازی‌بخش است:

کسی که از غم عشق تو در سرش سوداست / چو آفتاب سرافراز تاج استغناست (همان: ۳۷)
قانع کرده چنان عشق که انصاف مرا / خانه موری و بال مگسی میباید (شاملو، بی تا الف: ۵۱)
دوزخ شراری است از آتش عشق:

دوزخ که شرار اوست آتش / از آتش عشق او شراریست (همان: ۲۹)
عشق ادراک‌پذیر نیست:

عشقت به نهان‌خانه ادراک نگنجد / این گنج به ویرانه افلاک نگنجد (شاملو، ۱۳۸۲: ۴۹)
عشق را نهایت نیست:

آخرین گام اولین قدم است / وادی عشق را نهایت نیست (همان: ۳۷)
در عشق باید جانبازی کرد:

به راه عشق قدم چون نهی ز جان بگذر / که ننگ مرد بُود عاشقی عارآمیز (همان: ۵۴)

مستی: این مضمون در شعر مرتضی‌قلی‌خان بسیار پرتکرار است. در اغلب موارد، مراد از مستی، مستی با شراب انگوری است، او حتی یک مثنوی در این باره سروده است. گاهی نیز مراد از مستی، عوالم مستی در عرفان است.

مستی جاوید خمار من است / شیشه می لوح مزار من است (شاملو، بی تا ج: ۲۱)

مرا پروای ناز آسمان نیست / چنان مستم که پندارم جهان نیست (همان: ۱۱)

دست بر دامان مستی زن که نیست / مستی این باده را غیر از خمار (شاملو، بی تا ب: ۴۱)

نظربازی: یکی از مضمونهای اصلی و پرتکرار در شعر مرتضی‌قلی‌خان نظربازی است. این مسئله باعث شده رایج‌ترین و پربسامدترین تلمیحات شعر او مربوط به داستانهای حضرت یوسف (ع) باشد.

مرتضی وصل بتان مایه عیش و طرب است / یوسف از چاه برون آور و زندان مطلب (شاملو، بی تا الف: ۲۰)

مرتضی یوسف پرستیدن نباشد حد من / گر توانم سجده‌ای بر خاک کنعان میکنم (همان: ۴۳)

در اشعار مرتضی‌قلی‌خان عشق و نظربازی با نوحطمان جلوه‌ای خاص دارد، اما دقیقاً مشخص نیست که او از چه دوره‌ای به سرودن اشعاری با مضامین پرهیز از نظربازی می‌پردازد، اما عمده این اشعار در منتخب دیوانش، که خود در جنگ خویش فراهم آورده، آمده است که این امر میتواند گویای این باشد که او در سنین پیری به این مضمون پرداخته است.

بر حُسن نگاه خیره کردن / در مذهب مرتضی گناه است (شاملو، بی تا الف: ۳۷)

به جنس شاهد دنیا ظفر چه کار مرا؟ / چو نور دیده نباشد بصر چه سود کند (شاملو، ۱۳۸۲: ۴۵)

مضامین اجتماعی: تأثیر حافظ بر اندیشه مرتضی‌قلی‌شاملو بسیار عیان است، اما آنچه در شعر او بسامد بیشتری دارد، تاختن به زاهدان زمان خود است. گاه زاهد را کج‌بینی میداند که قادر به شنیدن سخن عشق نیست.

نشنود زاهد کج‌بین سخن عشق تو را / سخن راست به هر گوش و زبانی نرسد (همان: ۴۶)

گاه زاهد را خودبین خطاب میکند:

ظفر در کنج عزلت یافتم ای زاهد خودبین / اگر با ما شوی همدم بیابی نشئه ما را (همان: ۱۱۴)

گاه میگوید که او فقط در غم دستار خویش است:

در سر ما شور مجنون است و عشق کوهکن / زاهدان را در دل و در سر غم دستار خویش

گاه ربای زاهد را آشکار میکند و میگوید زاهد در حالی که تسبیح به دست دارد مینای مستان را در بغل دارد:

با نیک و بد دارم سری کو عشق تا پنهان کنم / تسبیح زاهد را به کف مینای مستان در بغل (شاملو، بی تا ب: ۶۹)

در جایی دیگر زاهد هوس جام میکند، اما با دیدن لب معشوق شاعر، در آن طمع میندد و از فکر جام منصرف میشود:

گرچه در خاطر زاهد هوس جام گذشت / تا لب لعل تو دید از می گلفام گذشت (شاملو، ۱۳۸۲: ۴۰)

در بیتی دیگر به این مطلب می‌پردازد که زاهد او را از عشق منع میکند، اما شاعر از پیمان زاهد گذشته و با درد خویش انس گرفته است.

زاهد چه منعم میکنی بگذشتم از پیمان تو / شادم به درد خویشتن بیزارم از درمان تو (همان: ۶۲)

جایی دیگر شاعر زاهد را پند میدهد تا از ساغر وحدت لبی تر کند:

بیا زاهد تو هم از ساغر وحدت لبی تر کن / اگر هستی به خود یابی ملامت کن دل ما را (همان: ۱۱۴)

وقتی نیز در مقام مفاخره خود را از زمره مردانی بشمار می‌آورد که دائم در سفرند، اما از آنجاکه زاهد در جرگه مردان نیست، دائم در حضر است:

زاهدان در حضر و ما به سفر بسته میان / رستن از قید تعلق سفر مردان است (همان: ۷۲)

مضامین حکمت‌آمیز

هر که افتاد در هوا و هوس / همچو مرغیست در شکنج قفس

ای دل ار عاقلی قفس بشکن / در دل سدره گیر جای و وطن

منزل این جهان بی‌بنیاد / میدهد نقد عمر را بر باد

عاقل آن کس کزین جهان فنا / رخت بربست بهر ملک بقا

دل بر این نوعروس دهر مده / مهر او از خراج شهر مده

دل چو شهریست در حصار بدن / دزد را ره مده به جان و به تن (همان: ۱۱۴)

مفاخره

در زیر بار منت هستی نمیرویم / پیغام ما به آب حیات اینقدر بس است (شاملو، بی تا الف: ۲۵)
 گرد ره عشق ز تأثیر فیض / تربیت‌آموز غبار من است (همان: ۲۷)
 چشم ببوشید که هفت‌آسمان / در ره تجرید غبار من است (همان: ۲۷)
 مرا پروای ناز آسمان نیست / چنان مستم که پندارم جهان نیست (همان: ۲۹)
 نازی به صد نیاز فروشد نگاه ما / شاگردی غم تو به استاد میرسد (همان: ۳۳)
 پادشاه قلمرو سخنم / گهر تاج افسر خویشم (همان: ۷۵)

شکوائیه

ز بیداد تو می‌خواهم فنای نسل آدم را / به یک آه سحر ویران کنم بنیاد عالم را
 به تنگ آمد دلم از بزم پراشوب این محشر / ز مستی بر سر شادی شکستم شیشه غم را (همان: ۱۵)
 غم ز صد رهگذرم هست در این بزم جهان / جگر سوخته‌ام هیچ کم از مجمر نیست (همان: ۳۱)
 چه بد کردم که وقف درد و داغم ساختی رفتی / چو تیرم از کمان سخت دور انداختی رفتی (همان: ۸۷)

تازگیها و نقاط ضعف و قوت اشعار مرتضی‌قلی شاملو

مرتضی‌قلی‌خان را نمیتوان شاعری صاحب‌سبک، با ویژگیهای برجسته بشمار آورد. نوآوریهای او بیش از آنکه خلق عناصر تازه یا گسترش برخی عناصر موجود در سبک هندی باشد، پرهیز از تصنعات و تکلفات شاعرانه‌ای است که هم‌روزگاران او مبتلا بوده‌اند. در شعر وی خبری از تناسب‌سازیهای افراطی در زمینه‌های لفظی و آوایی نیست. او اگرچه خود را پیرو صائب میداند و در چند غزل از وزن و قافیه اشعار صائب بهره میبرد، اما در برخی غزلهایش تأثیر شاعرانی چون بیدل را نیز میتوان مشاهده کرد. شاید بتوان گفت شعر مرتضی‌قلی شاملو بیش از آنکه در خدمت زبان و ادبیات و هنر شاعری باشد، در تکامل هنر خوشنویسی مؤثر بوده است؛ چراکه خط او و شاگردانش، از جمله میرزا شفیعا الگوی خوشنویسان بعد از ایشان بوده است. این مطلب را میتوان از یادداشتهایی که در پایان نسخه‌ها وجود دارد، بوضوح درک کرد. برای نمونه میرزا شفیعا، که از نامداران و استادان مسلم هنر خوشنویسی است، در پایان نسخه‌ای که کتابت کرده است، میگوید مرتضی‌قلی‌خان به او تکلیف حاشیه کرده و وی از روی سرافرازی سجده شکر کرده و این نسخه را کتابت کرده است (شاملو، بی تا ج: ۲۴). مجدالدین محمدبن فضل‌الله ساوجی نیز در پایان نسخه مکتوب خود میگوید: «چون استاد الکمل شفیعا نوشته بودند، بجهت قلم‌آزمایی از روی خط استادی - علیه الرحمه - طابق النعل بالنعل نقل نمود» (شاملو، ۱۳۶۳ق: ۴۶) از این عبارات میتوان دریافت کتابت نسخه‌های اشعار مرتضی‌قلی‌خان، که عمدتاً گزیده اشعار اوست، نه برای والایی شعر یا پایگاه شاعری او، بلکه برای تمرین خطاطی انجام شده است.

نتیجه‌گیری

مرتضی‌قلی‌خان شاملو از شاعران ذواللسانین و خطاطان پیشگام عصر صفوی است. نصرآبادی تعداد ابیات دیوان وی را قریب به چهارهزار بیت دانسته است، اما خود وی در مقدمه گزیده دیوانش تعداد ابیات را قریب به بیست‌هزار اعلام کرده است. از نظر زبانی، زبان شعرش ساده و بی‌پیرایه و به دور از تکلفات و التزامهای شاعرانه است. وی از بکار بردن زبان و کنایات عامیانه در شعر خود پرهیز نمیکند و همین امر موجب شده در مواردی نحو سخن او عامیانه بنظر آید. از نظر بیان، بکار بردن استعاره‌های فعلی و صنعت تشخیص، به شعر وی برجستگی خاصی بخشیده است. از لحاظ فکری نیز مضامینی چون عشق و سودای نوحطان، مفاخره، مستی، نظربازی، زاهدستیزی، یاد اهل بیت پیامبر (ص) و برخی اصطلاحات عرفانی به شعر او غنای خاصی بخشیده است. اما آنچه شعر مرتضی‌قلی‌خان را از دیگران متمایز میکند، کاربرد اصطلاحات و تعبیرات مربوط به کتابت و خوشنویسی است که گاه بطریق استعاره، ایهام، ایهام تناسب، مراعات نظیر و تداعی معانی، مضامین زیبایی را خلق کرده است. در شعر او میتوان اغلب ویژگیهای شعر سبک هندی را مشاهده کرد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران استخراج شده است. آقای دکتر عبدالرضا سیف راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. خانم لیلا ممی‌پور کلخوران بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات خالق اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پروژه به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

REFERENCES

- Babafaghani Shirazi. (۱۹۶۱). Edited by Ahmad Soheili Khansari. Tehran: Iqbal. p. ۱۲۲.
- Bayani. M. (۱۹۷۹). Conditions and works of calligraphers with examples of beautiful lines. To try Hossein Mahboubi Ardakani, Tehran: University of Tehran. V ۴. p. ۲۶۸.
- Hassanpour Alashti. H. (۲۰۰۵). Fresh style, stylistics of Indian style lyric; Tehran: Sokhan.
- Monzavi. A. (۱۹۹۳). War of Morteza Gholi Khan Khan Shamloo (belongs to the library of the Great Islamic Encyclopedia Center. *kelk*. Bahman and Esfand.
- Nafisi. S. (۱۹۸۴). History of poetry and prose in Iran and in Persian. Tehran: Foroughi. v. ۱. p. ۶۵۸.
- Nasrabadi, M. T. (۱۹۹۹). Note of Nasrabadi. Introduction Correction and comments by Mohsen Naji Nasrabadi. Tehran: Asatir.
- Safa. Z. (۱۹۹۴) History of Literature in Iran, Tehran: Ferdows, Vol. ۵: ۵۵۴.
- Shafiee Kadkani. M. R. (۱۹۹۲). The Poet of the Mirrors: A Study of the Indian Style in Biddle Poetry. Third edition. Tehran: Agah.
- Shamisa. S. (۲۰۰۴). Generalities of Stylistics, Tehran: Mitra.
- Shamloo. M. G. (۲۰۰۳). War of Morteza Gholi Shamloo, collected in ۱۰۶۹ AH. (Facsimile) Bibliography and cataloging by Iraj Afshar, Ahmad Manzavi. Tehran: Center of the Great Islamic Encyclopedia.
- Shamloo. M. G. K. (No date). Collection of Divan Hassan and Morteza. F ۲۵۱۷. Copy of Mr. Haj Seyed Abolfazl Saeedi Reyhan Yazdi.
- Shamloo. M. G. K. (۱۲۶۳ AH). Divan. No. ۴۶۰۵. Manuscript of the National Library and Museum of Malik.
- Shamloo. M. G. K. (۱۳۱۰ AH). Divan. No. ۴۵۸۶. Manuscript of the National Library and Museum of Malik.
- Shamloo. M. G. K. (No date). Divan. No. ۵۱۱۱. Manuscript of the National Library and Museum of Malik.
- Shamloo. M. G. K. (No date). Poetry anthology. No. ۵۱۱۱. Manuscript of the Islamic Consultative Assembly.

Writers' group. (۲۰۰۴). Calligraphy (illustrated). Translated by [Amir Kabir]. Under the supervision of Peyman Matin. Tehran: Amirkabir. P. ۸۲.

فهرست منابع فارسی

- انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- بابافغانی شیرازی. (۱۳۴۰). دیوان. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: اقبال.
- بیانی، مهدی. (۱۳۵۸) احوال و آثار خوشنویسان با نمونه‌هایی از خطوط خوش. به کوشش حسین محبوبی اردکانی. جلد ۴. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسن‌پور آلاشتی، حسین. (۱۳۸۴). طرز تازه: سبک‌شناسی غزل سبک هندی. تهران: سخن.
- شاملو، مرتضی‌قلی. (۱۳۱۰ق). دیوان مرتضی‌قلی شاملو، شماره ۴۵۸۶. نسخه خطی کتابخانه و موزه ملی ملک.
- شاملو، مرتضی‌قلی. (۱۳۸۲). جنگ مرتضی‌قلی شاملو. گردآوری در سال ۱۰۶۹ق. (فاکسی میله) نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری از ایرج افشار، احمد منزوی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- شاملو، مرتضی‌قلی‌خان. (۱۲۶۳ق). دیوان مرتضی. شماره ۴۶۰۵. نسخه خطی کتابخانه و موزه ملی ملک.
- شاملو، مرتضی‌قلی‌خان. (بی‌تا الف). دیوان. شماره ۵۱۱۱. نسخه خطی کتابخانه و موزه ملی ملک.
- شاملو، مرتضی‌قلی‌خان. (بی‌تا ب). مجموعه دیوان حسن و مرتضی. ف ۲۵۱۷. نسخه آقای حاج سید ابوالفضل سعیدی ریحان یزدی.
- شاملو، مرتضی‌قلی‌خان. (بی‌تا ج). جنگ شعر. شماره ۶۰۱۸۲. نسخه خطی مجلس شورای اسلامی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۱). شاعر آینه‌ها: بررسی سبک هندی در شعر بیدل. چاپ سوم. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۵). بیان. ویراست ۳. تهران: میترا.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۵. چاپ نهم. تهران: فردوس.
- گروه نویسندگان. (۱۳۸۳). خوشنویسی (مصور). ترجمه گروه مترجمان (امیرکبیر). زیر نظر پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
- مرتضی‌قلی‌خان. (بی‌تا). جنگ شعر. شاملو، شماره ۵۱۱۱. نسخه خطی مجلس شورای اسلامی.
- منزوی، احمد. (۱۳۷۲). جنگ مرتضی‌قلی‌خان شاملو (متعلق به کتابخانه مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی). کلک. بهمن و اسفند. شماره ۴۷ و ۴۸.
- نصرآبادی، محمداطاهر. (۱۳۷۸). تذکره نصرآبادی. مقدمه تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- نفیسی، سعید. (۱۳۶۳). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی. تهران: فروغی.

معرفی نویسندگان

عبدالرضا سیف: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: Seif@ut.ac.ir)

لیلا ممی‌پور کلخوران: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، پردیس، البرز، کرج، ایران.

(Email: l.mamipoor1983@ut.ac.ir)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Abdolreza Seif: Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Iran.

(Email: Seif@ut.ac.ir : Responsible author)

Leila Mamipour Kalkhoran: PhD student, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Pardis, Alborz, Karaj, Iran.

(Email: l.mamipoor1983@ut.ac.ir)